

آسیب‌شناسی تب داغ مقالات درگفت‌وگو با مدیرگروه آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس

انباشت دانش با تعریف پروژه‌های مشترک ممکن می‌شود

سیدعلیرضا طاهری خبرنگار

به خیابان انقلاب که قدم می‌گذاری، هرچند متر افرادی با پلاکاردهایی نسبتاً بزرگ ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند: «مقاله، پایان‌نامه!» اما پشت این ظاهر و تبلیغ ساده، دنیایی پیچیده از تقلب علمی پنهان است. به‌راسته خیابان انقلاب رفته و با چند نفر از این افراد صحبت کردم. آن‌هایی که تجربه بیشتری داشتند، ابتدا با چند سؤال کلیدی از مشتری واقعی بودن من اطمینان حاصل کردند. برخی که اطلاع و تجربه کمتری داشتند، مستقیماً شمار فردی را می‌دادند که شبکه‌ای برای نگارش و فروش مقاله و پایان‌نامه داشت. یکی دیگر از آن‌ها بعد از چند سؤال، سراغ قیمت رفت و مستقیماً قیمتی پیشنهاد داد که به نظر نشان از کم‌تجربگی اش در نسبت با سایر رقبایش بود. اما در میان این افراد، پیرمرد سالخورده‌ای نظرم را جلب کرد: سراغش رفتم. پس از چند پرسش اساسی، مرا به ساختمانی قدیمی و بی‌بام‌ونشان در نزدیکی خیابان انقلاب هدایت کرد. بالای یکی از واحدها، نام انتشاراتی به چشم می‌خورد. همه چیز از پیش هماهنگ شده بود؛ پیرمرد در راه با یکی از کارمندان واحد تماس گرفت و آن کارمند می‌دانست قرار است من به آنجا بروم. به‌محض باز شدن در، خامنی، محترمانه مرا به اتاقی راهنمایی کرد؛ فضایی شبیه به اتاق کاری مشترک، میزی بزرگ در وسط آن قرار داشت. پشت یک دیوار حائل، افرادی در حال کار با سیستم‌های گران‌قیمت بودند که احتمالاً مشغول نگارش مقاله بودند و همه نشان از یک شبکه و تیمی حرفه‌ای بود. خامنی دیگر که وظیفه جذب مشتری و توضیح در خصوص وضعیت پایان‌نامه و مقاله را داشت، با استفاده از تمام شیوه‌های مارکتینگ روبه‌روی من نشست و سازوکار دریافت مقاله را توضیح داد. او با اطمینان می‌گفت می‌تواند مقاله را در کمتر از ۳۰ روز آماده کند؛ و محققانی که دارای مدرک دکتر هستند، در تمام این یک ماه با من در ارتباط خواهند بود و در این مسیر کمک خواهند کرد. چند لحظه که گذشت، سراغ قیمت و دستمزد نهایی‌شان رفت و مبلغی بیش از ۲۰ میلیون تومان را مطرح کرد. او تأکید کرد احتمالاً قیمت در روزهای آینده تغییر خواهد کرد. این روایت تنها یک نمونه از چند ده شبکه مقاله‌نویسی در بخشی از خیابان انقلاب است. امروز ساختار مقاله‌محوری در کشور، با وجود فرایندی چون رشد اعتبار علمی و پاسخ به پرسش‌های علمی، به شکل گیری بازاری گسترده و سیاه به نام «مقاله فروشی» و «جایگزینی کیفیت به کمیت» منجر شده است؛ بازاری که ادعا می‌کند شما را در کمتر از ۳۰ روز صاحب یک مقاله علمی در سپهر آکادمیک کشور می‌کند. علت ظهور و رواج این بازار سیاه در سال‌های اخیر این است که یکی از معیارهایی که برای دفاع دانشجویان دکتری و نیز ارتقای استادان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها لازم و ضروری شده، ارائه مقالات معتبری است که به‌نوعی سندیت اعتبار آن محقق به شمار می‌رود. همین الزام، دانشجویان و استادان ما را به سمت کمیت‌گرایی سوق داده و بیش از آنکه کیفیت مقاله اهمیت پیدا کند، تعداد مقالات موردتأیید قرار می‌گیرد. به همین جهت، «فره‌یختگان» در گفت‌وگو با حسین نصیری، مدیرگروه آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس به وضعیت مقاله‌محوری در ساختار علمی کشور پرداخته است.

مقاله، زبان مشترک دنیای علم

حسین نصیری، مدیرگروه آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به اهمیت و ضرورت مقاله‌نویسی و تولید مقاله به‌منابه یک آورده علمی آن را تأیید می‌کند؛ اما در خصوص روند مقاله‌نویسی در ایران و شیوه‌ای که باعث آسیب‌زدن به آن شده نکات مهمی را مطرح می‌سازد. او در خصوص اصالت مقاله‌محوری معتقد است: «زمانی که یک پژوهشگر فعالیت پژوهشی خود را در رشته و حوزه‌های مختلف آغاز و روی آن کار می‌کند و تحقیق انجام می‌دهد؛ تحقیقی که درستی و صداقت علمی در آن نهفته است و در نهایت به یافته‌هایی دست پیدا می‌کند. این پژوهشگر علاقه‌مند است یافته‌هایش را با دیگر همکاران خود به اشتراک بگذارد پس آن‌ها را در قالبی به نام مقاله تنظیم می‌کند. مقاله ساختار خاصی دارد؛ شامل بیان مسئله، روش مسئله، یافته‌ها و نتیجه‌گیری است. از این طریق، یافته‌های خود را به همکاران و همتایانش در سراسر دنیا، چه داخلی و چه خارجی، اعلام می‌کند. همین استادی می‌تواند همان یافته‌ها را در قالبی به نام کتاب، پایان‌نامه یا کارگاه آموزشی ارائه دهد و حتی آن‌ها را به سمت ثبت اختراع سوق دهد. لذا این فرایند پژوهشی که انجام می‌شود، یعنی پژوهش اصیل محققان، با این هدف است که کارهای خود را در قالب مقاله منتشر کنند. این امر در همه جای دنیا مرسوم است.»

نصیری با اشاره به تاریخچه انتشار یافته‌های علمی در تمدن ایران‌زمین گفت: «در قدیم‌الایام، این یافته‌ها در قالب کتاب و موارد مشابه منتشر می‌شد؛ به‌عنوان مثال، در دوره ایران باستان، محققان و دانشمندانی از سراسر جهان در جندی‌شاپور جمع می‌شدند و مطالب خود را در قالب کتاب منتشر می‌کردند. ما کتاب‌های رومیان و عرب‌زبانان را ترجمه کردیم و برعکس. رومیان نیز کتاب‌های ما را بردند. ترجمه کردند و از آن‌ها بهره بردند. کتاب‌های ابن سینا، خیام، خوارزمی، ابن‌هیثم، ابن‌خلدون و دیگران، همگی در قالب کتاب زبان مشترک همه بودند.» نصیری یکی از زبان‌های علمی مشترک در جهان امروز مقاله دانست و دراین رابطه گفت: «امروز، به‌خاطر تسهیل دسترسی، مقاله به زبان مشترک تبدیل شده است و هیچ ایرادی هم ندارد. شما و دیگر اساتید می‌توانید این یافته‌ها را در قالب مقاله منتشر کنید تا همه ببینند و نقد کنند؛ چراکه مسیر نقد و رشد از طریق یکی از همین راه‌هاست که مقاله یکی از آن‌هاست. ایرادی ندارد که به زبان انگلیسی منتشر می‌کنید؛ افراد بیشتری آن را می‌بینند. اگر به زبان فارسی منتشر کنید، افراد کمتری آن را خواهد دید حتی می‌توانید به زبان عربی منتشر کنید. اما شما می‌خواهید یک استاد شیمی یا استاد ریاضی در ایران که به ایده‌ای، خلاقیتی یا یافته‌ای پژوهشی می‌رسد، ببیند که دیگر همکارش در دانشگاهی دیگر دنیا، در رابطه‌با موضوع او چه نظر و دیدگاهی دارند. این‌گونه، دانش انباشت و رشد می‌کند. آن محقق خارجی هم همین کار را می‌کند.» او با اشاره به فرایند پرهزینه و اشتباه مقالات نویسی در ایران افزود: «اینکه بخوایم مقاله را نفی کنیم، چندان صحیح نیست. باید ببینیم پژوهش‌های اصلی صورت گرفته که مقاله از آن حاصل شود؟ مسئله اصلی اینجاست که مقاله‌نویسی تبدیل به هدف اصلی شده است. در فرایندی که توضیح دادم، اصل قضیه پژوهش است. اصل قضیه حل مسئله است. اصل قضیه پاسخ به یک سؤال اصیل است؛ در این فرایند مقاله‌نویسی اصل نیست. ممکن است یک پژوهش دوساله انجام‌شود و فرضاً واقعاً به یافته خوبی دست پیدا نکند یا فرایند پژوهش، فرایند خوبی نباشد؛ در این صورت لزومی ندارد مقاله منتشر شود، چون حرفی برای گفتن ندارد و یافته جدیدی خلق نشده است. اما در کشور ما و دیگر کشورهای دنیا، افرادی وجود دارند که صرفاً برای اینکه مقاله

بنویسند، پژوهش می‌کنند، یعنی از همان ابتدا برای خود مشخص می‌کنند که ممکن است پژوهشی انجام ندهند، اما مقاله را می‌نویسند.» او بیان کرد: «متأسفانه در زمان‌های به‌سر می‌بریم که می‌توان پژوهش نکرد، می‌توان پژوهش با کیفیت نکرد و باز هم مقاله نوشت. آن مقاله مشکل دارد. به‌قول معروف مقاله‌نویسی تبدیل شده به یک شغل نان‌وآب‌دار برای خیلی از افراد برای مطرح کردن خود در دنیا. اما مقالات با کیفیت، مقالاتی که در ابتدا گفتم، کاملاً مشخصند. در عرصه دنیا، مقاله‌ای که از دل یک پژوهش اصیل درمی‌آید، سؤالات جدید ایجاد می‌کند، یافته‌های جدید را به محققان ارائه می‌دهد و به قول امروز‌ها ارجاع می‌خورد به آن استناد می‌شود و آن محقق در دنیا جایگاه پیدا می‌کند.»

اصل قضیه، فرایند پژوهش است

حسین نصیری با تأکید بر اینکه مقاله نباید اصل باشد، معتقد است: «ما نباید مقاله را نفی کنیم؛ باید بگوییم مقاله نباید محور باشد، مقاله نباید اصل باشد. اصل قضیه، فرایند پژوهش است؛ پژوهشی که منجر به یک سؤال و مسئله درست شود. وقتی این کار انجام شد، مقاله هم به تبع آن بیرون می‌آید. اگر کار با کیفیت انجام‌شود، قطع‌به‌یقین مقاله با کیفیت هم از آن حاصل می‌شود؛ مقاله‌ای که مسئله من و همکاران و همتایم را حل می‌کند. برخی مقالات در سراسر دنیا منتشر می‌شوند تا آن‌ها هم ببینند و نقد کنند. اما به‌قول معروف نوشتن مقاله تبدیل به ابزار کارشان شده است که «آقا باشد، حالا یک مقاله هم بنویسیم». بعد، فرد سروزه یا چهارروزه مقاله می‌نویسد. این‌ها واقعاً آسیب جدی هستند و اعتبار علمی کشور را زیرسؤال می‌برند.» نصیری با اشاره به تغییر فرایند اجبار به مقاله‌نویسی بیان کرد: «زمانی ما محققان را به انجام پژوهش‌های اصیل تشویق می‌کنیم؛ پژوهش‌هایی که به حل مسئله منجر می‌شوند و بعد از دل آن‌ها مقاله درمی‌آید. ایرادی هم ندارد، تشویق هم باید کرد، یعنی شما یک محقق را به پژوهش‌های با کیفیت و اصیل تشویق می‌کنید. اگر مقاله نوشت، تشویق می‌شود؛ این خیلی خوب است. اما اگر اجبار کنید و بگویید فلان استاد یا فلان دانشجو باید مقاله بنویسد اشتباه است، این اجبار یعنی تأکیدتان را از اینکه بگویید باید پژوهش درست انجام دهد و مسئله حل کند، برمی‌دارد. وقتی می‌گویید باید مقاله بنویسد، یعنی من نوعی، چون به این کار مجبور شدم، می‌روم مقاله می‌خرم، داده‌سازی می‌کنم. به سمت میدان انقلاب می‌روم. فکر نکنید فقط در ایران مقاله‌نویسی یا مقاله‌فروشی وجود دارد؛ در کشورهای دیگر هم هست، اما در کشور ما تشدید شده، چون ما اصل را بر مقاله گذاشته‌ایم. می‌گوییم فلان استاد یا فلان دانشجو باید حتماً مقاله بدهد. آیا واقعاً آن دانشجو کیفیت لازم و آشنایی کافی با روش‌های پژوهش و منطق پژوهش و مبانی نظری درست را دارد که بتواند مقاله خوب را تولید کند؟ ممکن است نداشته باشد و این اتفاق باعث گسترش سوء استفاده شود.» نصیری افزود: «وقتی این اتفاق می‌افتد، مسائل کشور به حاشیه می‌روند. دانشمندان حقیقی و محققان واقعی در این فضا گم می‌شوند و هر کسی اعلام می‌کند من ۲۰ مقاله دارم، در صورتی که ممکن است یک استاد دوسه مقاله داشته باشد، ولی همان تعداد در دنیا زبانزد باشند. مسئله‌ای را حل کرده باشند یا یکی از سؤالات اساسی بشر را در حوزه علم پاسخ داده باشند. او دو سه مقاله دارد، کسی ممکن است ۲۰ مقاله داشته باشد، ولی واقعاً یافته جدید و خیلی عایمانه بگویم «ندان گیر» در آن نیست؛ فرمی را پر کرده و فرستاده است.» او با اشاره به وضعیت مجلات معتبر دنیا و گزینش مقاله‌ها برای چاپ و انتشار گفت: «خیلی از مجلات معتبر دنیا هر مقاله‌ای را چاپ نمی‌کنند؛ داوری علمی صورت می‌گیرد. همان‌گونه که مجلات با کیفیت وجود دارند و مقالات با کیفیت را چاپ می‌کنند. مجلات سیاه نیز وجود دارند که مقالات کم‌کیفیت و به‌قول معروف دمس‌ستی را چاپ می‌کنند، اما این‌ها اعتباراتشان با هم متفاوت است، یعنی یک مجله مثل نیچر اعتبار بسیار زیادی دارد و یک مجله دیگر ممکن است سطح پایین بوده و کیفیت لازم را نداشته باشد. لذا اگر به این کار اجبار کنید، از دل آن تقلب درمی‌آید. از دل آن مهارت پایین دانشجویان و محققان ما بیرون می‌آید. وقتی شما تمرکز را بر مقاله می‌گذارید، دیگر به دانشجو و استاد، روش‌های پژوهش و مهارت‌های پژوهش اصیل را یاد نمی‌دهید و مهارت‌های کافی را نمی‌آموزید. ما باید این‌ها را از هم تفکیک کرد. هیچ اجباری در علم پاسخگو و صحیح نیست. همه مسیر باید مبتنی بر مشوق باشد؛ تشویق به سمت حل مسئله. او در ادامه بیان کرد: «شاید الان فضای ایجادشده به‌گونه‌ای باشد که اساتید ما فقط مقاله‌نویسند. ما از آن‌ها خواسته‌ایم مقاله بنویسند. اگر استادان ما کسانانی باشند که کیفیتشان در دنیا مشخص باشد، دانشجوی ما، استاد ما، وقتی در سطح کشورها و دانشگاه‌های دنیا می‌رود، واقعاً کفایتش معلوم است و بسیاری با کیفیت است؛ هم دانش حوزه آموزش‌شان و هم حوزه پژوهشان. الان اساتیدی داریم که در بهترین ژورنال‌های دنیا مقاله چاپ می‌کنند، خیلی هم معتبرند و مبتنی بر مسائل پاسخگو و صحیح می‌کنند.»

نصیری با اشاره به ضرورت تغییر رویکردها آموزش عالی بیان کرد: «اگر بخوایم این فضا را تغییر دهیم باید رویکردها و روال‌ها را تغییر دهیم. نباید بگویم اصلاً هرکس مقاله بنویسد بی‌سواد است، بعد اصلاً مقاله ننویسد، جلوی چاپ مقالات را بگیرد. ما باید ساز مان‌دهی را به‌نحو انجام دهیم که کسی که کیفیت لازم را دارد و پژوهش با کیفیت انجام داده و مقاله و مسئله کشور را حرکت داده، مقاله‌اش را هم چاپ کند. ایرادی ندارد، تشویق می‌کنیم. البته با حفظ محرمانگی و مسائلی که به‌هر حال رعایت می‌شوند ولی باید ببینیم هر رعایت‌شوند که مثلاً محققان ما جانشان و اینشان حفظ شود. از دهه ۸۰ از اساتید خواستیم مقاله بنویسند. فقط به آن‌ها گفتیم مقاله بنویسد، ولی نگفتیم چه نوع مقاله‌ای را چطور بنویسد. اساتید ما انصافاً توانمندی خاصی داشتند، اما متأسفانه برخی از این فضا سوءاستفاده کردند. پیدا کردن مقاله امری ضروری است، اما برخی افراد برای ایجاد نمای ظاهری و نشان دادن حضور خود، اقدام به انتشار مقالاتی با کیفیت پایین می‌کنند که اعتبار علمی کشور را زیرسؤال می‌برند. علاوه بر این، در چنین شرایطی دانشجو کیفیت لازم را کسب نخواهد کرد، مهارت کافی نمی‌آموزد، تقلب علمی شکل می‌گیرد و مسائل کشور نیز حل نمی‌شود. در نتیجه اعتبار بین المللی و علمی کشور خدشه‌دار خواهد شد.»

مقالات کشور نمایانگر واقعیت جامعه

بانیازهای علمی نیست

نصیری با دستاوردسازی تعداد مقالات توسط برخی از وزرا گفت: «بسیاری از وزرا بر رتبه علمی کشور در مجلات بین‌المللی تأکید کرده‌اند، اما در کنار آن، به مواردی مانند اختراع، تولید ثروت، کسب قدرت و هر جمعیت علمی کمتر توجه شده است. صرفاً بر بعد کمی

مقاله‌نویسی تأکید شده و این باعث شده استادان و بسیاری از افراد، تلاش کنند فقط کمیت را بالا ببرند. اینکه گفته می‌شود «یک پژوهش با کیفیت انجام شود که یک مسئله را حل کند»، هیچ ایرادی ندارد. تکرار می‌کنم، نوشتن مقاله از دل یک پژوهش با کیفیت، امری صحیح و روش علمی رایج در سراسر دنیا است. ما نیز همین کار را می‌کنیم. اما مشکل اینجاست که مقدمات این پژوهش را به درستی پایه‌ریزی نمی‌کنیم. به جای آنکه بر اساس مسائل واقعی داخلی پژوهش کنیم، نگاه می‌کنیم در مجلات بین‌المللی چه موضوعاتی داغ هستند و صرفاً برای انتشار، همان‌ها را انجام می‌دهیم. نتیجه این می‌شود که مقاله ما، نمایانگر واقعیت جامعه ما یا نیازهای علمی ما نیست و کمکی هم به رشد علمی فرد یا کشور نمی‌کند.»

او با اشاره به امکان تغییر رویکردها در ماه‌ای آینده بیان کرد: «مشکلات همان‌طور که گفته شد در زمینه مقاله‌نویسی وجود دارند و وزرای علوم نیز بر مقالات تأکید داشته‌اند. البته رویکردهای اخیر در دولت جدید به نظر می‌رسد در حال تغییر است و به سمتی پیش می‌رود که ما باید تلاش کنیم در فرایند انتشارات علمی، مسائل واقعی را میناقرار دهیم. مثال ساده‌ای بزنم، فرض کنید خودروهای ما، مانند محصولات ایران خودرو، سرانه مصرف بترین بالایی دارند. حال یک مهندس مکانیک، برق یا انرژی باید بشنید و مطالعه کند که چگونه می‌توان سیستم مصرف سوخت خودرو را بهینه کرد. او باید سال‌ها در آزمایشگاه‌ها و با تجهیزات لازم تحقیق کند تا به راهکاری دست یابد. این همان پژوهش اصیل است که می‌تواند به حل مشکلات واقعی کشور کمک کند. پس از آن نتایج پژوهش خود را در قالب یک مقاله منتشر کند، این کار بسیار ارزشمند و فوق‌العاده است. این روش، روش درستی است. هنگامی که مقاله منتشر می‌شود، استاد دیگری در کشور یا خارج از کشور، با مشاهده آن، ممکن است بگوید: «من نیز روشی دیگر پیدا کرده‌ام که این پژوهش را تکمیل می‌کند.» یا «من راهی یافته‌ام که این پژوهش را ادامه دهم.» به این ترتیب، پیشرفت حاصل می‌شود، مثلاً مصرف خودرو به سه لیتر کاهش می‌یابد و قدرت موتور نیز افزایش می‌یابد. فضای علم، فضای انباشتی و همکاری است؛ هیچ محققی در دنیا وجود ندارد که تصور کند تمام دانش موجود در تمام علوم زمین را در اختیار دارد. این امر امکان‌پذیر نیست و محال است. انشیتین، با وجود اینکه فیزیکدان برجسته‌ای بود، اطلاعات کاملی در بسیاری از دانش‌ها و رشته‌های دیگر نداشت، اما با مطالعه منابع و تحقیقات دیگران به پیشرفت‌هایی دست یافت. اختراعات او نیز حاصل همین انباشتی دانش بود. به عنوان مثال، او که مهندس برق بود، باید با مکانیک، فیزیک، مخابرات و… نیز آشنایی می‌داشت. این‌ها مسائلی نیستند که بگوییم ادیسون همه این‌ها را بلد بود. رشد علمی نیازمند انباشتی است؛ به این معنا که افراد مختلف، هر کدام بخشی از کار را بر عهده بگیرند و پروژه‌ای را انجام می‌دهند تا آن حوزه علمی رشد کند. این‌طور نیست که انتظار داشته باشیم یک استاد با یک تخصص خاص، به‌تنهایی به تمام پاسخ‌ها دست یابد.»

نصیری در خصوص ضرورت داشتن شبکه یکپارچه علمی در کشور بیان کرد: «در تمام دنیا، این نظام علمی کشور می‌داند که می‌خواهد به کجا برود. مثلاً تمرکز می‌کند روی حوزه‌هایی مانند مخابرات یا فناوری اطلاعات. این پروژه‌ها به صورت شگسته‌شده اجرا می‌شوند و محققان و دانشجویان سراسر کشور در آن مشارکت می‌کنند. به عنوان مثال، ناسا بخشی از پروژه خود را به دانشگاه استفورد می‌دهد، بخشی از مسائل فیزیک خود را به دانشگاه دیگری و اگرذا می‌کند، مسائل برق را به دانشگاه دیگری می‌دهد. سپس آن‌ها نیز پروژه را به پروژه‌های پژوهشی کوچک‌تر تقسیم می‌کنند و روی آن‌ها کار می‌کنند. این‌گونه است که وقتی محققان مختلف روی یک پروژه مشترک کار می‌کنند، به یک نتیجه ملموس و قابل نقد دست می‌یابند.»

او در ادامه بیان کرد: «در کشور ما چنین رویکردی وجود ندارد. هر استادی هر تشخیصی که خودش داد، همان را انجام می‌دهد. البته باید بگویم که در بخش‌هایی مانند فلسفه، ریاضیات محض و… ایرادی ندارد که پژوهش‌ها فردی باشند؛ چرا که این حوزه‌ها به دنبال پاسخ به سؤالات ذهنی بشر هستند و این اشکالی ندارد. اما در مورد محققان، دانشمندان و تحقیقات، باید رویکرد مبتنی بر یک پروژه تعریف شده باشد. من نمی‌گویم یک پروژه، بلکه می‌گویم صدها یا پنجاه پروژه کلان در کشور تعریف شود. مثلاً پروژه ساخت یک واکسن خاص، پروژه ساخت هواپیما، یا پروژه‌های مشابه. البته که هیچ حوزه‌ای از علم به صورت کاملاً مستقل نیست. آمریکا، چین یا کشورهای دیگر، تمام وانث لازم برای تولید هواپیما یا موشک را در داخل خودشان دارند؛ نه این‌طور نیست. شما باید در حوزه‌ای که تمرکز کرده‌اید، چنان قدرت و مرجعیت تخصصی پیدا کنید که کشورهای دیگر نیز مانند شما از دانش دیگران بهره‌مند شوند، به شما مراجعه کنند و از دانش شما استفاده کنند. این‌گونه است که وابستگی به وجود می‌آید و شما وابسته می‌شوید.»

نصیری نیز در اهمیت این موضوع تأکید کرد: «همان‌طور که مدیریت پروژه در داخل کشور اتفاق می‌افتد، در سراسر دنیا نیز به صورت ناخوشه مدیریت پروژه وجود دارد. ما تصور می‌کنیم آمریکا تمام دانش حوزه فناوری اطلاعات را در اختیار دارد؛ درحالی‌که این‌طور نیست. محققان آن‌ها بخشی از کار را انجام می‌دهند، بخشی از دانش را از کشورهای دیگر دریافت می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. در کشور باید پروژه‌های کلان و مسائل مهمی را تعریف کنیم، آن‌ها را به پروژه‌های کوچک‌تر تقسیم کرده و داوری‌های بی‌طرفانه و کیفی را روی این پروژه‌ها اعمال کنیم. بوجه‌های دولتی باید به این پروژه‌ها اختصاص یابد و این مسائل در دانشگاه‌ها و گروه‌های علمی به اساتید، معلمان و دانشجویان منتقل شود. دلیل اینکه می‌بینید در یک حوزه برجسته می‌شوید به این خاطر است که انباشتی دانش در آن زمینه اتفاق افتاده است. حوزه هوافضا در سال‌های اخیر رشد بسیار خوبی داشته و علت آن همین انباشتی دانش بوده است. استادان حوزه‌های مختلف، با وجود اینکه در سراسر کشور و دانشگاه‌های گوناگون برآکنده‌اند، روی یک پروژه واحد کار کرده‌اند.»

انباشت دانش واقعی با تعریف پروژه‌های مشترک محقق می‌شود

مدیرگروه آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس در ادامه بیان کرد: «ما باید چنین اتفاقی را در سایر حوزه‌ها نیز تکرار کنیم. به جای اینکه هر استاد در رشته‌های کاربردی مانند مهندسی برق، مکانیک، پزشکی، حقوق یا روانشناسی، در اتاق خود بنشیند و به‌تنهایی تحقیق کند، باید بداند که پژوهش او به کجا ختم می‌شود و چگونه با پروژه‌های دیگر در راستای اهداف بزرگ‌تر قرار می‌گیرد. البته رشته‌های بنیادین مانند

ادبیات، تاریخ و فلسفه نیز جایگاه ویژه خود را دارند و باید به مسائل اساسی پاسخ دهند. اما بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد از رشته‌های علمی و پروژه‌های تحقیقاتی باید مبتنی بر یک پژوهش تعریف شده و مشخص باشند تا انباشت دانش واقعی اتفاق بیفتد.»

فرایند داوری علمی در ایران جزء مواد مهمی است که همواره محل تأکید همه کارشناسان بوده است، نصیری در این خصوص می‌گوید: «شکل فرایند داوری علمی در کشور ما، شبیه به بسیاری از کشورهای دنیاست، اما محتوا و جزئیات آن کاملاً متفاوت است. به‌طور کلی، یک هیئت داوری متشکل از متخصصان همان حوزه، مقاله یا طرح پژوهشی را دریافت می‌کند. این هیئت، با نگاه علمی و تخصصی، مقاله را از جنبه‌های مختلف مانند روش تحقیق، منطق نظری، یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها ارزیابی می‌کند. اگر ایرادی وجود داشته باشد، به محقق بازخورد داده می‌شود تا آن را اصلاح کند و در نهایت، مقاله پذیرفته یا رد می‌شود. گاهی اوقات نیز، داوران پیشنهادهای جایگزین یا روش‌های اصلاحی را ارائه می‌دهند. هنگامی که مقاله‌ها یا پایان‌نامه‌ها برای بررسی ارسال می‌شوند، ابتدا به هیئت داوری فرستاده می‌شوند. هیئت داوری نظر خود را اعلام می‌کند و سپس سرریب، به نمایندگی از آن‌ها، بازخورد را به نویسنده ارجاع می‌دهد. نویسنده با مقاله اصلاح کرده و دوباره برای داوری ارسال می‌کند، یا در صورت عدم امکان اصلاح، مقاله از فرایند انتشار کنار گذاشته می‌شود. این همان روالی است که در سراسر دنیا دنبال می‌شود.»

او در خصوص جزئیات کیفیت داوری علمی در ایران بیان کرد: «ما در ایران گاهی مفاهیم و اصولی که در سراسر دنیا به‌درستی اجرا می‌شوند را در عمل، تنها به صورت ظاهری و سطحی پیاده می‌کنیم. فرایند داوری، کیفیت مقالات و اصالت پژوهش، مفاهیمی‌اند که در سطح جهانی وجود دارند. متأسفانه، در برخی موارد در کشور ما، این اصول به‌درستی رعایت نمی‌شوند. به عنوان مثال، گاهی داوری مقالات به دانشجویان کارشناسی ارشد یا دکتراسپرده می‌شود، درحالی‌که در دنیا این‌گونه نیست. مجلاتی نیز وجود دارند که کیفیت لازم را ندارند، دانش جدیدی تولید نمی‌کنند و حتی دانش موجود در آن زمینه را نیز با ایرادهایی اساسی مواجه می‌کنند. گاهی این موارد حتی شاید بتوان نام «دانش» بر آن‌ها گذاشت و صرفاً مجموعه‌ای از داده و اطلاعات غلط هستند. به عنوان مثال، جمع‌آوری داده از طریق پرسشنامه‌ها و انتشار آن به عنوان مقاله، بدون رعایت اصول و منطق علمی، کاملاً اشتباه است. درحالی‌که در علوم انسانی، استفاده از پرسشنامه یا مصاحبه، نیازمند رعایت استانداردهای دقیقی است؛ مانند اطمینان از حضور و علاقه‌مندی فرد در زمان تکمیل پرسشنامه، یا استفاده از روش‌های مکمل برای اعتبارسنجی البته، این بدان معنا نیست که تمام ظرفیت علمی کشور در این زمینه ضعیف است.»

وی در ادامه گفت: «این عدم دقت در روش‌ها، ابزارها، یافته‌ها و مبانی نظری باعث می‌شود که کیفیت مقالات در برخی نشریات داخلی به‌شدت افت پیدا کند. در مقابل مجلات معتبری در ایران وجود دارد که در حوزه‌های مختلف علوم پایه، مهندسی و پزشکی ایران بین المللی کسب کرده‌اند و حتی خارجی‌ها نیز برای انتشار پژوهش‌های خود به آن‌ها مراجعه می‌کنند. در سراسر دنیا، کیفیت مقالات را با میزان استنادات (ارجاعات) به آن‌ها می‌سنجند. اگر مقاله‌ای کیفیت بالایی داشته و یافته جدید و دقیقی را منتشر کرده باشد دانشمندان و محققان دیگر به آن ارجاع می‌دهند. این یکی از روش‌های سنجش کیفیت است. روش دیگر بررسی تعداد اختراعاتی است که از دل این مقالات بیرون آمده است. البته این روش بیشتر در حوزه‌های فنی، مهندسی و علوم پایه کاربرد دارد. در علوم پزشکی و علوم انسانی نیز روش‌های متفاوتی وجود دارد، هر چند در این حوزه‌ها نیز می‌توان نوآوری خلاقانه را ثبت کرد.» نصیری در خصوص کیفیت بالای یک مقاله بیان کرد: «اولین مورد سنجش یک مقاله، ارجاع است. دوم، ثبت اختراع است. سوم، ثبت ایده در حوزه علوم انسانی است. در مرحله بعدی، می‌توان به میزان حل مسئله اشاره کرد. مثلاً در مدیریت پروژه، زمانی که مقاله‌ای چاپ می‌شود، اگر آن مقاله به حل مشکلی کمک کند، قابل رصد است. اما در حال حاضر نمی‌توان به‌راحتی مشخص کرد که کدام یک از مقالات ما به حل مسئله خاصی منجر شده است. این یافته‌ها از دل این پروژه بیرون آمده‌اند. پروژه دانشورده مصرف سوخت بنز روی خودروها را در نظر بگیریم، از دل این پروژه، ۲۰ مقاله استخراج شده است.»

راهکارمقایله با بازار سیاه مقاله‌فروشی

وی در ادامه با توضیح چگونگی مقایله با بازار سیاه مقاله‌فروشی گفت: «برای مقایله با این مسائل، باید اجبارها را از مقاله‌نویسی برداشت و فضای انگیزشی ایجاد کرد. باید مدیریت پروژه به‌درستی انجام‌شود و داوری‌ها دقیق باشند. به شما مراجعه کنند و از دانش شما استفاده کنند. این‌گونه می‌شود. البته، هیچ راه صد در صدی برای جلوگیری از این پدیده وجود ندارد، اما قوانین مقایله با تقلب در تهیه آثار علمی وجود دارد. خرید و فروش مقاله و وابستگی آن به نام افراد، جرم تلقی شده است. دستگاه‌هایی مانند وزارت علوم، وزارت بهداشت و حتی قوه قضائیه، مؤسسات و افرادی را که در این زمینه فعالیت می‌کنند، تحت پیگرد قرار داده و برای آن‌ها مجازاتی تعیین کرده‌اند.»

نصیری در ادامه بیان کرد: «برای ریشه‌کن کردن این موضوع، اولین کار برداشتن اجبارها و ایجاد فضای انگیزشی است. همچنین مدیریت پروژه باید به‌درستی اجرا شود، داوری‌ها دقیق‌تر شوند و روش‌های صحیح پژوهش علمی و صداقت علمی از آموزش و پرورش به دانش‌آموزان آموزش داده شود. بسیاری از افراد ناخوسته مرتکب تقلب علمی می‌شوند، زیرا از پیامدهای آن بی‌اطلاع هستند. مثلاً، خواندن کتابی و تأثیرپذیری از ایده‌های آن و سپس استفاده از آن در پایان‌نامه بدون ذکر منبع یک نوع تقلب علمی است. حتی اگر مستقیماً از منبع استفاده نکرده باشید، باز هم باید به آن ارجاع دهید، زیرا آن ایده متعلق به نو یسنده اصلی است. در بحث اخلاق پژوهش، روش پژوهش و رعایت صداقت علمی باید از همان دوران تحصیل به افراد آموزش داده شود. حتی استفاده از تجهیزات از مایشگاهی یک مرکز دیگر یا مواد و تجهیزات خاص باید ذکر شود. این بخشی از اخلاق علمی و صداقت است. اگر کسی در کار شما کمک قابل توجهی کرده است، باید نام او به عنوان همکار ذکر شود. اگر کسی بدون کمک، صرفاً با سفارش، نامش در مقاله درج شود، این اخلاق علمی زیر سؤال می‌رود و مصداق تقلب است. تقلب علمی تنها به خرید و فروش مقاله محدود نمی‌شود؛ داده‌های ساختگی، روش‌های غلط، عدم ارجاع به منابع و درج نام افراد بدون مشارکت، همگی مصادیق تقلب علمی‌اند.»